

## تبیین علل غلبه سیاست‌ورزی بر دین‌محوری بنی‌عباس در امر حج و زیارت

امین رضا توحیدی<sup>۱</sup>مصطفی پیرمردیان<sup>۲</sup>

**چکیده:** پیشی گرفتن اهداف سیاسی بر علایق و آرمان‌های دینی در امر حج و زیارت توسط خلفای عباسی موضوع مقاله حاضر است. این امر در حالی است که جدّ این خاندان یعنی عباس بن عبدالمطلب و فرزندانش، به دلیل جایگاه خود در حج، یعنی منصب سقایت، دارای نقشی مهم در برگزاری این فریضه دینی معرفی می‌شوند؛ و بنی‌عباس در رقابت با کسانی که مشروعیت را از آن خود می‌دانستند، چون علویان و دیگران، می‌توانستند از این واقعیت بهره‌برداری کنند و نکردند. در حالی که در بهره‌برداری از مسئله وراثت در امانت بیش‌تر کوشیدند.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی چرایی این امر را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش مشخص می‌گردد که وجود موانع نظری و واقعیاتی که گاه ریشه در مهم‌ترین متون دینی مسلمین چون قرآن کریم داشته و گاه به سوابق عباس و خاندان او مرتبط هستند؛ علل اصلی این کم‌توجهی عامدانه به جایگاه عباس در حج و عدم مشروعیت‌طلبی از آن هستند؛ و چنانکه خواهیم گفت، آنان شیوه بهره‌گیری از حج و زیارت را نیز تغییر دادند.

**واژه‌های کلیدی:** بنی‌عباس، عباس، خلافت، سیاست، حج، زیارت، سقایت، سدان و عمارت

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)  
tohidi@uk.ac.ir

۲ عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان m.pirmoradian@itr.ui.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۵ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۰۵

## An explanation on the dominance of political orientation over religious orientation of Bani- Abbas in Hajj and Pilgrimage

AminReza Tohidi<sup>1</sup>

Mostafa Pirmoradian<sup>2</sup>

**Abstract:** The dominance of political interests over religious ideals in holding Hajj pilgrimage by Abbasid Caliphs is in the concentration. This is where, according to the history, the great ancestor of Abbasids, Abbas ibn Abdumattallib and his children are introduced as great honorable figures in Hajj pilgrimage for serving water for the pilgrims (Saqayat). Bani-Abbas then should have made it as a privilege over the other claimants for ruling legitimacy such as Alids and others, however the Abbasids rather preferred to took advantage of inheritance matter. Applying descriptive analytical approach, this research is after the reasons of this fact. The findings show that some theoretical and functional obstacles relevant to the facts rooted in the Quran or Abbas's reputation had been in concern. They deliberately paid almost no attention to Abbas's position in Hajj neither did they claim for his legitimacy. They also manipulated the pilgrimage policy according to this research.

**Keywords:** Bani Abbas, Abbas, ruling, policy, Hajj, Ziyart, Saqayt, Sedant, construction

---

1 PhD student in Islamic History, Isfahan University, Faculty member at Shahid Bahonar University (in Charge author) Tohidi@uk.ac.ir

2 Assistant Professor. Dept. of Islamic History, Isfahan University, m.pirmoradian@litr.ui.ac.ir

### طرح مسئله

عباسیان بیش از دیگر سلسله‌های خلافت اسلامی، به اصل دینی حج، توجه نشان دادند، منابع تاریخی نشان می‌دهند که این سلسله از خلفا با تشریفات خارق‌العاده‌ای به استقبال فریضه حج می‌رفتند. خلفا دوست داشتند به نوعی بغداد را به مقری باشکوه برای شروع و پایان مراسم حج تبدیل کنند،<sup>۱</sup> از دو ماه مانده به ایام رسمی حج، اردوگاهی در بیرون بغداد برپا می‌شد و پس از صرف هزینه‌های هنگفت، آن را برای پذیرایی زوَّار سرزمین‌های شرق خلافت عباسی آماده می‌کردند. امیرالحاج را حکومت، در مجلسی با حضور خلیفه و قاضی‌القضات و دستیاران او و دیگر بلندپایگان بر می‌گزید.<sup>۲</sup> امیرالحاج نه تنها کاروان را راهنمایی می‌کرد، بلکه بر رفتار زوَّار هم نظارت داشت؛ و دسته ویژه‌ای را زیر نظر خود در مراسم حج سرپرستی می‌کرد.<sup>۳</sup> این مراسم علاوه بر آنکه شکوه خاصی داشت،<sup>۴</sup> در دوران خلافت عباسی دیده نشد که به هیچ بهانه‌ای نظیر آنچه در دوران اموی رخداد، تعطیل شود.<sup>۵</sup>

عباسیان علاقه داشتند مراسم مذهبی حج را با سیادت و ارتباط خانوادگی خلفا با خاندان رسالت<sup>(ص)</sup> پیوند دهند. شاید از همین رو بود که به‌شدت با دیگر مدعیان هاشمی و علوی خود در آن سرزمین مبارزه می‌کردند و فجایع بسیاری به بار می‌آوردند که گاه چون حادثه فح با ماجرای عاشورا برابری می‌کرد.<sup>۶</sup>

- ۱ محمد مناظر احسن (۱۳۶۹ش)، *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۴۳؛ نیز ر.ک مجهول المؤلف (۱۹۷۲م)، *العیون والحدائق فی اخبار الحقایق*، چاپ عمر سعیدی، ج ۴، دمشق: المعهد الفرنسي للدراسات العربية، ص ۲۵۳.
- ۲ مناظر احسن، همان، ص ۳۴۳.
- ۳ ابوالحسن علی‌بن محمد بن حبیب‌البحری ماوردی [بی‌تا]، *الاحکام السلطانية*، تصحیح محمود علی صبیح، قاهره، مطبعة المحمودية التجارية، ص ۱۳۷.
- ۴ موکب کاروان خلیفه برای حج از دیدگاه هزینه و شکوه بسیار جالب‌توجه بود، هودج را با تکلف فراوان می‌آراستند، با پارچه‌های ابریشمی رنگارنگ و زربفت. خلیفه همراه با محافظان خویش پیشاپیش کاروان، بُرده پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بر تن و قصب و خاتم بر دست می‌رفت (محمد مناظر احسن (۱۳۶۹)، همان، ص ۳۴۳).
- ۵ یعقوبی می‌نویسد: عبدالملک مردم شام را از حج بازداشت و آن بدان جهت بود که هرگاه به حج می‌رفتند این‌زبیر آنان را به بیعت می‌گرفت مردم را وامی‌داشت تا چنانکه پیرامون کعبه طواف می‌کنند پیرامون قبةالضخره طواف کنند و این رسم در دوران بنی‌امیه برقرار بود. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، بیروت: دار صادر، ص ۲۲۰.
- ۶ این حادثه در سال ۱۶۹ق. به روزگار هادی عباسی رخداد، امام جواد<sup>(ع)</sup> در مورد آن فرمودند: هیچ روزی بر علویان بعد از روز کربلا سخت‌تر و مصیبت‌بار تر از یوم فح نبوده است. احمد بن علی بن حسین حسینی ابن‌عنبه (۱۳۸۰ق.)، *عمدة الطالب*، نجف: الحیدریه، ص ۷۲.

در بادی امر به نظر می‌رسد در بیان ارتباط نَسَبی با خاندان نبوت و اغراق درباره مقام عباس در حج و اهمیت این فریضه، می‌توانست تأثیر قابل توجهی داشته باشد و حتی این مهم را عاملی برای کسب مشروعیت تلقی کنند؛ اما برخلاف تصور علی‌رغم آنکه منابع این دوره، چنانکه از اخباری چون انتقال حق خلافت به خاندان عباسی از علویان سخن می‌گویند،<sup>۱</sup> به مقوله حج و نقش پراهمیت آن در زندگی عباس هم پرداخته‌اند؛<sup>۲</sup> اما در واقع، نقشی برای آن در زمینه مشروعیت بخشی به حاکمیت عباسیان به شکلی مداوم و گسترده قائل نشده‌اند؛ و این مسئله اصلی پژوهش حاضر است.

با این اوصاف مسئله آن است که آیا در اندیشه بنی‌عباس از موضوع حج و زیارت و نقش عباس، در آنکه مورد تأیید منابع است، همانند اصل انتساب به خاندان رسالت و مسائلی چون دعوت به الرضا من آل محمد<sup>(ص)</sup>، برای کسب مشروعیت و رقابت با رقیبان استفاده ابزاری شده است یا نه و چرا؟

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد اهداف سیاسی بنی‌عباس به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش‌ها به مواردی مثل تحلیل شعارهای نهضت عباسی، وراثت و امامت و تحلیل آن‌ها در مشروعیت عباسیان پرداخته‌اند از جمله: آثار حسین عطوان<sup>۳</sup> و عمر فوزی<sup>۴</sup> قابل ذکرند. این دو نویسنده در بررسی سازمان دعوت عباسیان و نقش پدیده‌هایی مثل وراثت در مشروعیت بخشی به بنی‌عباس به نتایج قابل توجهی رسیده کلید پایان‌یر. عبدالعزیزالدوری نیز در آثار خود روابط بنی‌عباس و علویان و ادعای این خاندان در مورد حق الهی امامت به عنوان میراثی خانوادگی را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۵</sup> همچنین محمد سهیل طقوش نیز مسائلی چون خلاء رهبری بعد از ابوهاشم و نقش ایرانیان در برابر سیاست‌های بنی‌امیه و بهره‌گیری عباسیان از این پدیده را بررسی

- ۱ علی بن اسماعیل اشعری (۴۲۶ ق.)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، به کوشش هلموت ریتز، بیروت: النشرات الاسلامیه، ص ۲۲، به روایت منابع دوره عباسی در اواخر دوران اموی ظاهراً حق خلافت از خاندان علی<sup>(ع)</sup> به خاندان عباس انتقال یافت. این کار به دست ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه انجام گرفت.
- ۲ ابن هشام (۱۳۷۰) السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا و همکاران، ج ۱، قاهره: مطبعة المصطفی البلی الحلبی، ص ۱۸۹.
- ۳ حسین عطوان [بی تا]، الدعوة العباسیه تاریخ و تطور، بیروت: دارالجمیل، صص ۳۶۶-۳۷۵؛ حسین عطوان [بی تا]، الدعوة العباسیه، مبادی و اسالیب، بیروت: دارالجمیل، ص ۹۵.
- ۴ عمر فوزی فاروق (۱۹۸۷ م) طبعه الدعوة العباسیه، بغداد، مکتبه الفكر العربی للنشر و التوزیع، ص ۲۳.
- ۵ عبدالعزیز الدوری (۲۰۰۶ م)، العصر العباسی الاول دراسة فی التاریخ السیاسی و الاداری و المالی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه، صص ۸۱-۱۳۸.

می‌کند.<sup>۱</sup> چنانکه عباسیان از بعثت تا خلافت نوشته محمدالله اکبری به خوبی به تبیین شعارها، چگونگی به قدرت رسیدن عباسیان و روابط علویان و عباسیان همت گمارده است.<sup>۲</sup> اما دو نکته مورد توجه در تحقیق حاضر یعنی نگاه سیاسی به حج و زیارت و غلبه مقاصد سیاسی بر دین‌محوری و تلاش برای کسب مشروعیت سیاسی از حج و زیارت به عنوان راهبرد سیاسی بنی‌عباس به‌طور مستقل در آثار یادشده و پژوهش‌های دیگر مدنظر قرار نگرفته است.<sup>۳</sup>

### الف. جایگاه سیاست و دیانت در اندیشه بنی‌عباس و حج و زیارت

مصدق بارز دین‌محوری در راهبرد بنی‌عباس در کسب قدرت، و آنگاه تثبیت آن در دوران بعدی را می‌توان در اتخاذ شعارهای مذهبی چون الرضامن‌آل‌محمد<sup>(ص)</sup>،<sup>۴</sup> و تألیف آثاری که صرفاً در توجیه امامت عباس و به سفارش ایشان نوشته می‌شد، حتی از سوی پیروان مذاهب رقیب چون زیدیه جستجو کرد. چنانکه هشام‌بن‌ابراهیم مشرقی نویسنده زیدی مذهب، کتابی در مورد عباس و اثبات امامت او نوشت و به هارون اهدا کرد. هارون علی‌رغم همه اختلافاتی که بنی‌عباس با زیدیه - قائل به قیام بالسیف - داشتند، او را تکریم نموده، هشام عباسی نامیدش<sup>۵</sup> که غلبه سیاست ورزی بر دین‌محوری خلفا را در مورد آنان که قائل به حقانیت مذهبی‌شان نبودند نشان می‌دهد. عباسیان در زمینه کسب مشروعیت به فضیلت‌تراشی برای خود از قبل شخصیت عباس و فرزندان خصوصاً عبدالله که نسب از او می‌بردند، علاقه بسیار داشتند، مصداق بارز آن، احادیث متعددی است که منابع این دوره اصرار دارند، در مورد پیشگویی خلافت آن‌ها از سوی پیامبر<sup>(ص)</sup> بیان شده است و این نشانه‌ای از تأکید بنی‌عباس بر اهمیت باورهای دینی در اذهان عمومی است؛ اما نکته جالب آنکه مهم‌ترین وجه شخصیت عباس یعنی سمت او در حج و زیارت به قراری که بر خواهیم شمرد، عامدانه چندان مورد بهره‌برداری دینی قرار نگرفته است و این نشانه

- ۱ محمد سهیل طقوش (۱۹۹۸م)، تاریخ الدولة العباسية، بیروت: دارالنفائس، ص ۱۱۲.
- ۲ محمدالله اکبری (۱۳۸۱)، عباسیان از بعثت تا خلافت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، صص ۷۲، ۹۸.
- ۳ حاتم قادری (۱۳۷۵)، مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی، تهران: انتشارات بنیان.
- ۴ مجهول المؤلف (۱۳۹۱ق)، اخبار الدولة العباسية و فيه اخبار العباس و ولده، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، بیروت: دارالطبعة، ص ۲۲۰.
- ۵ محمدبن حسن طوسی (۴۰۴ق)، اختیار المعرفة الرجال، تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۱، قم: موسسه آل‌البیت، ص ۷۹۱.
- ۶ ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی (۴۱۸ق)، الموضوعات من الاحادیث المرفوعات، تحقیق نورالدین شکری بن‌بواجیلاد، ج ۲، ریاض: مکتبة‌الضواء السلف، صص ۳۰-۳۱.

سیاست‌ورزی ایشان است.

### ب. ماهیت و جایگاه حج نزد اعراب و نقش بنی‌هاشم

هزینه کردن برای حج در عهد بنی‌عباس رونق یافت؛ زیرا این سنتی بود که قبل از اسلام بر شوکت «اهل حمس» افزوده بود و حتی باعث تمایز آن‌ها بود. جواد علی می‌گوید: الحمس یعنی کسانی که در محدوده حرم ساکن بودند سرپرست و عهده‌دار امور کعبه بودند که از متحمسین متمایزند، اهل حمس قریش بودند و متحمسین، دیگرانی که به این امر داخل شده بودند.<sup>۱</sup>

ظاهراً این وظایف و یا مناصب، از روزگار قصی بن کلاب جدّاعلای رسول خدا<sup>(ص)</sup> از اهمیت و مراتب خاصی برخوردار شده است. روایات در مورد روزگار پس از قصی متفاوت است؛ چنانکه مسعودی معتقد است قصی، سقایت و رفادت را به عبدمناف داد و بقیه را به عبدالدار. ارزقی هم همین‌طور روایت کرده است.<sup>۲</sup> اما ابن‌حیب (م ۲۴۵ق.) معتقد است چون عبدالدار از همه بزرگ‌تر بود تمامی مناصب به او تفویض شد.<sup>۳</sup> بعدها بنی‌عبدمناف به خصومت با عبدالدارها برخاستند، نتیجه آنکه رفادت و سقایت به بنی‌عبدمناف و خاصه بنی‌هاشم رسید و پس از مرگ عبدالمطلب، عباس عهده‌دار این دو منصب گردید، که در دوران اسلامی ادامه یافت و باز حجابت و سدانت تا فتح مکه به دست پیامبر<sup>(ص)</sup> و با تأیید ایشان، در اختیار بنی‌عبدالدار بود.<sup>۴</sup>

### ج. مناصب عباس و فرزندان‌شان در دوران اسلامی در امر حج و زیارت

#### ۱. عباس بن عبدالمطلب

مهم‌ترین منصبی که در دوران اسلامی به عباس بن عبدالمطلب واگذار شد سقایت بود<sup>۵</sup> که بعدها منصب عمارت مسجدالحرام نیز بدان افزوده شد.<sup>۶</sup> وی علی‌رغم اصرار منابع عهد عباسی برای

۱ جواد علی (۱۹۷۸-۱۹۷۶م.)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۶، بیروت: دارالعلم للملایین البغداد مکتبه النهضة، صص ۳۶۴-۳۶۶.

۲ علی بن حسین مسعودی (بی تا)، *التنبیه و الاشراف*، بیروت: دار صادر، ص ۱۸۰.

۳ ابن‌حیب (۱۴۰۵ق.)، *المنمق*، به کوشش احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتاب، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۴ ابن‌اسحاق (۱۴۱۰ق.)، *سیره*، تحقیق سهیل زکار، قم: انتشارات اسماعیلیان، ص ۱۳۸؛ احمد بن یحیی بلاذری (۱۹۵۹م.)، *انساب الاشراف*، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۹، بیروت: بی تا، ص ۴۰۳.

۵ بلاذری، همان، ج ۳، صص ۱۵-۱۶.

۶ عزالدین علی بن ابوالکرم ابن‌اثیر (بی تا)، *اسالغیة فی معرفة الصحابة*، ج ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص ۱۰۹.

توجیه برخی موارد مبهم مثل حضور او در جنگ بدر،<sup>۱</sup> در سراسر حیات رسول خدا<sup>(ص)</sup> عهده‌دار هیچ مسئولیت مهمی به‌جز سقایت و عمارت مسجدالحرام نبود. آیه ۱۹ از سوره مبارکه توبه بنا به نظر مفسران در مورد عباس‌بن‌عبدالمطلب نازل شده است. و مفسرین بیان می‌دارند که او حتی در دوران رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> به سمت خود در حج یعنی سقایت مباحثات می‌کرد.<sup>۲</sup> در واقع، منشأ اصلی نفوذ سیاسی او و خاندانش که بارها بدان پرداخته‌شده، امور وابسته به حج و زیارت است. او اینک علاوه بر سقایت، رتبه مهم عمارت مسجدالحرام را هم در دست داشت.<sup>۳</sup> حتی گفته می‌شود پس از مرگ ابولهب، عباس، عقیل و نوفل به دستور پیامبر<sup>(ص)</sup> برای رسیدگی به امور مسجدالحرام و حاجیان مأموریت یافته‌اند.<sup>۴</sup>

اما آیه شریفه مورد اشاره، راه را برای سودجویی بنی‌عباس از پدیده سمت عباس در حج و زیارت برای همیشه بست، و آن‌ها را در برابر برخی رقبا چون علویان در موقعیت فزونی قرار داد و تناقض‌های بسیاری را در عملکرد آنان به وجود آورد که در بدان خواهیم پرداخت. در مورد حوادث پس از رحلت رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد او بعد از سقیفه به علی<sup>(ع)</sup> پیشنهاد بیعت داد.<sup>۵</sup> به‌هر حال نمی‌توان منکر اهمیت نقش بنی‌عباس در دفاع از بنی‌هاشم و همراهی سرسختانه آن‌ها با علی<sup>(ع)</sup> و اولاد او در ادوار مختلف خصوصاً در عهد خلفای راشدین و اموی شد.<sup>۶</sup>

۱ ابن‌اثیر، همان، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲ «أَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ر.ک: عبیدالله‌بن‌احمد حاکم حسکانی (۱۴۱۱ق.)، *شواهد التنزیل*، تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۱، تهران: وزارت ارشاد، ص ۲۴۹؛ اسماعیل‌بن‌عمر ابن‌کثیر (۱۳۸۷ق.)، *تفسیر (تفسیر القرآن العظیم)* قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۱۹۰؛ محمدحسین طباطبایی (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، ج ۹، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۷۸.

۳ ابن‌اثیر، *اسدالغابه*، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴ ابن‌هشام، همان، ج ۱، ص ۱۸۹.

۵ ابن‌قتیبه دینوری (۱۹۶۹م.)، *الامامة و السياسة* (تاریخ خلفا)، ج ۱، قاهره: مطبعة المصطفى البابی الحلبي، ص ۳۳؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، حدیث ۱۱۸۰، ص ۵۸۳.

۶ برخی منابع معتقدند در نتیجه اختلافی که بین ابوالاسود، علی و ابن‌عباس ایجاد شد، علی<sup>(ع)</sup> نامه‌ای به او نوشتند و عبدالله امارت بصره را رها کرد. از جمله ابن‌اثیر با جمع میان روایات، قائل به صحت این قول است (عزالدین ابوالحسن ابن‌اثیر (۱۴۰۸ق.)، *الکامل*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۳۵۹) اما برخی دیگر معتقدند علی<sup>(ع)</sup> پس از اشراف بر اصل ماجرا و مراتب امانت‌داری ابن‌عباس، از او دلجویی کرد و وی تا شهادت امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> عهده‌دار این سمت بوده است. ابن‌اعثم کوفی (۱۹۶۸م.)، *الفتوح*، حیدرآباد دکن، دائرةالمعارف العثمانیة، ص ۷۱۷.

شخص عباس بن عبدالمطلب به یک نسبت مورد احترام دو گروه اصلی مسلمانان یعنی اهل سنت و شیعیان بوده و هست. باین وجود، گاه لبه تیز تیغ انتقادات به خاطر پاره‌ای منفعت‌جویی‌ها، متوجه خاندان عباس شده است. چنانکه قیس بن سعد بن عباده زمانی در مورد عیبدالله بن عباس گفت: این مرد و پدر و برادرش حتی یک روز، کار سودمندی برای اسلام نکردند... و شیعیان حاضر در سپاه امام حسن<sup>(ع)</sup> گفته‌های وی را تأیید نمودند.<sup>۱</sup>

## ۲. عبدالله بن عباس

ابوالعباس عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بنا بر قول مشهور، سه سال قبل از هجرت و در هنگام اقامت مسلمانان در شعب ابوطالب زاده شد.<sup>۲</sup> مادرش ام‌فضل از مسلمانان نخستین به شمار آمده،<sup>۳</sup> و خود با القابی چون حبرالامة (دانشمند امت)، بحر که اشاره به علم زیادش در حدیث دارد، ستوده شده است. از او به عنوان دانشمند برجسته علم تفسیر قرآن و کاتب متخصص قرآن کریم یاد شده است.<sup>۴</sup>

عبدالله بن عباس در دوران خلفا دارای مقام افتاء بوده است،<sup>۵</sup> تنها یعقوبی می‌گوید: وی رئیس شرطه عمر بود و در خلیفه دوم نفوذی داشت.<sup>۶</sup> مهم‌ترین سمت وی در دوران عثمان، سالاری حج در زمانی بود که حوادث منجر به قتل خلیفه سوم در جریان بوده است،<sup>۷</sup> می‌گویند عثمان ابتدا قصد داشت خالد بن عاص، والی مکه را امیر الحاج کند، اما با پیش‌بینی عدم مقبولیت خالد نزد مسلمانان از ابن عباس خواست که در صورت امتناع خالد، او با مردم حج گذارد، وی در این سال با مردم حج گذارد.<sup>۸</sup> و گفته شده است در مراسم حج، بیانیه عثمان را برای مردم خواند.<sup>۹</sup> و زمانی

۱ ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۵ق)، مقاتل الطالبین، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة، صص ۵۸-۵۹.

۲ احمد بن یحیی بلاذری (۱۴۱۷ق). کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۴، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ص ۲۷؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۳، صص ۱۸۶-۱۸۷.

۳ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۸۵؛ یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۱۹۹۲م)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، محقق علی محمد بجاوی، ج ۲، بیروت: دارالجمیل، ص ۸۱۱.

۴ شمس الدین ذهبی (۱۴۰۱ق)، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۳۳۱.

۵ ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی (۱۹۹۲م)، المنتظم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۷۲.

۶ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۷ ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۳، ص ۱۹۰.

۸ محمد بن جریر طبری (۱۹۳۹م)، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، قاهره: مطبعة الاستقامة، ص ۶۴۸.

۹ همان، ص ۷۰۳.



که به مدینه بازگشت، معترضان، عثمان را کشته بودند.<sup>۱</sup> او در خلافت امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> استاندار استاندار بصره بوده است.<sup>۲</sup>

### ۳. عبیدالله بن عباس

اما فرزند دیگر عباس که مشهور به خیانت به امام حسن<sup>(ع)</sup> می‌باشد، یعنی عبیدالله بن عباس، در خلافت ظاهری امام علی<sup>(ع)</sup> زمانی که استاندار یمن بود امارت حج یافت.<sup>۳</sup> و هم روایت شده، که امارت و سرپرستی حجاج بیت‌الله الحرام تا سه سال به او سپرده شد،<sup>۴</sup> اما در سال سوم «یزید بن شجره رهاوی» از سوی معاویه به مکه رفت و در صف مسلمین تفرقه افکند، و پس از کشمکش بسیار با عبیدالله، سرانجام دو طرف توافق کردند که شیبۀ بن عثمان - یکی از اشراف قریش - به امامت مردم در نماز بپردازد.<sup>۵</sup> همچنین معاویه سپاهی خون‌خوار به سرکردگی بسر بن ارطاة به سوی حجاز و یمن فرستاد، به او دستور داد: هر که را که به اطاعت امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> پایبند است، به قتل برسانند. وقتی سپاه بسر بن ارطاة به یمن رسید، عبیدالله به جای مقاومت و دفاع، صحنه را خالی کرد و متواری شد، در نتیجه بر اثر حمله بُسر، هزاران نفر از جمله دو نوجوان عبیدالله به قتل رسیدند.<sup>۶</sup> به‌طور کلی خاندان عباسی در دوران خلافت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> سمت امارت حج را در سال‌های ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ ق. با سرپرستی عبیدالله بن عباس، قثم بن عباس و شیبۀ بن عباس بر عهده داشتند.<sup>۷</sup>

۴. حذف فرزندان عباس از امارت حج در دوران اموی و خلیفه زبیری و راهبرد سیاسی بنی‌عباس معاویه از سال ۴۱ ق. که قدرت را در دست گرفت، هرگز فردی از بنی‌عباس را به سمت امارت

۱ همان، ص ۶۴۸

۲ همان، ص ۱۸۸.

۳ ابن‌اعثم، همان، ص ۷۳۱؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۱۴۰.

۴ ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۰۰۹.

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۴۵؛ نیز رک: ابن‌عبدالبر، همان، ص ۱۰۰۹.

۶ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۳۹؛ ابن‌اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۴۲۹؛ محمد بن حسن طوسی [بی‌تا]، الامالی، ج ۱، قم: مؤسسه البعثة (دار الثقافة)، ص ۶۹؛ محمد بن محمد بن نعمان مفید (۱۴۱۳ م)، الارشاد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، صص ۱۲۲-۱۲۳.

۷ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۲۱۰.

حجاج برنگزید.<sup>۱</sup> جالب آنکه عبدالله بن زبیر نیز همین رویه را داشت.<sup>۲</sup> جانشینان معاویه هم سعی نمودند سمت امارت حجاج تا حد ممکن از کف اشراف اموی خارج نشود.<sup>۳</sup>

در این دوران، عبدالله و عبیدالله بن عباس برجسته‌ترین فرزندان عباس ضمن آنکه که به عنوان مدافعان اهل بیت<sup>۴</sup> شناخته شده‌اند، اما چنانکه گذشت دارای روابط غیرقابل انکاری با خلفای اموی بودند. چنانکه ابن عباس عاقبت بایزید بیعت کرد.<sup>۵</sup> و قبل از آن در لشکری که معاویه به جنگ با رومیان فرستاد تحت ریاست یزید شرکت داشت.<sup>۶</sup> باین وجود، حالت تقار و دشمنی و حس بدینی بین طرفین برقرار بوده است.<sup>۷</sup> خصوصاً که این دشمنی گاه تا خون‌ریزی و قتل پیش رفته بود و برای مثال نمی‌توان قلب پدر فرزند از دست داده را نسبت به بنی‌امیه یکسره مصفا فرض کرد.<sup>۸</sup>

در تحلیل کلی، بنی‌عباس و علویان به دلیل نسبتی که با خاندان رسالت داشتند، همیشه خطری بالقوه برای امویان و کسانی چون آل‌زبیر محسوب می‌شدند. مهم‌ترین دلیل نفوذ سیاسی بنی‌عباس در این زمان چیزی نبود جز سمت او در حج که حتی معاویه این نکته را بر زبان رانده بود.<sup>۹</sup> در بحث وراثت و با وجود حسنین<sup>۱۰</sup> و ابن حنفیه، خاندان عباسی حرفی برای گفتن نداشتند. در این زمان در هجوم خشویه<sup>۱۱</sup> برای نجات محمد بن حنفیه در عصر خلیفه زبیری، عبدالله بن عباس هم نجات یافت که نشان از وزن سیاسی بیش‌تر علویان در مقایسه با عباسیان دارد.<sup>۱۲</sup> مشهور است که: عباسی‌ها در سایه خلفا، در رفاه و آسایش زندگانی می‌کردند، در حالی که طالبی‌ها در آتش انقلاب‌ها می‌سوختند. هر چند این نظر استثنای محددی هم دارد.<sup>۱۳</sup>

بنابراین سمت‌هایی با عنوان سیاسی - مذهبی مانند امارت حج را بر عهده نداشتند، ولی از جنبه

۱ یعقوبی، همان، ص ۲۲۰.

۲ همان، ص ۲۸۷.

۳ علی بن حسین مسعودی (۱۳۸۵ق)، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، ج ۴، بیروت: دارالاندلس، صص ۳۹۸-۳۹۹.

۴ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۳۴۳.

۵ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۳۰۳.

۶ همان، ص ۲۱۶.

۷ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۱۱.

۸ عبدالله بن مسلم ابن قتیبه (۱۳۷۳)، عیون الاخبار، ج ۱، قم: منشورات الشریف الرضی، ص ۶۰۵.

۹ ر.ک: مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۱۲۵، چوب به دستان حامی مختار.

۱۰ مجهول المؤلف، اخبارالدولة العباسية، صص ۹۹-۱۰۰.

۱۱ منظور قتل ابراهیم بن محمد عباسی به همراه عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز به دست مروان بن محمد، آخرین خلیفه اموی

است نک: ابن قتیبه دینوری، الامامة والسياسة، ص ۴۰۱.

دینی برخی مناصب صرفاً مذهبی چون سقایت را در حج و زیارت تا برآمدن دولت عباسی از آن خود می‌دانستند، و از منافع آن در تحکیم موقعیت اجتماعی بهره می‌بردند.<sup>۱</sup> نکته مهم آن است که بنی‌عباس هرگز از اتصال به منابع قدرت سیاسی احتراز نکردند و بزرگان این خاندان در روزگار خلفایی مثل معاویه، بارها برایشان وارد شده و حتی هدایا و امتیازاتی دریافت می‌کردند.<sup>۲</sup>

#### ۵. زمینه سازی برای خلافت با ترک حجاز توسط بنی‌عباس

عبدالله بن عباس در هنگام مرگ در وصیتی به علی (فرزندش) به او سفارش کرد حجاز را ترک کند؛ زیرا «بعد از من آن دیار جای شما نیست»،<sup>۳</sup> ظاهراً آنجا را نه قلمرو خود و خاندانش که سرزمین زبیریان می‌دانست او معتقد بود «باید از قیام‌های علویان هم برحذر بود».<sup>۴</sup> در عین حال از نفوذ فرزندان دیگر صحابی مثل ابن‌زبیر نیز نگران بود و بنی‌امیه را بر آنان ترجیح می‌داد. چنانکه خطاب به علی بن عبدالله بن عباس نوشت: گرچه بنی‌امیه ستمگرند ولی به سبب خویشاوندی تو با آن‌ها از ابن‌زبیر به تو مهربان‌ترند.<sup>۵</sup>

تأیید عبدالملک بن مروان توسط علی بن عبدالله بن عباس و روابط نزدیک این دو هر چند فراز و فرودهایی که داشت، در رابطه با این وصیت، قابل توجه است. صحت پیشگویی ابن‌عباس را زمانی که شراة در حمیمه دمشق به جُنَيْتَة (بهشت کوچک) بنی‌عباس تبدیل شد و به پایگاهی برای انقلاب آن‌ها، می‌توان دریافت.<sup>۶</sup>

#### د. بهره‌گیری سیاسی بنی‌عباس از حج و زیارت در دوران خلافت

##### ۱. تحلیل منابع عباسی در امر حج و زیارت

از تلاش‌های عباسیان در اثبات مشروعین خود از طریق زیارت اماکن مقدسه که مهم‌ترین منصب

۱ ابوالولید محمد زرقی (۱۴۱۵ق)، اخبار مکه، ج ۱، به کوشش رشدی الصالح، مکه: مکتبة الثقافة، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۲ محمد بن علی بن طباطبای (۱۳۶۷)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۴۲.

۳ مجهول المؤلف، اخبار الدولة العباسية، ص ۲۰۰.

۴ همان، ص ۲۰۰.

۵ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶ بلاذری، همان، ج ۳، صص ۵۳-۷۴.

۷ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۷۵.

عباس در حیات رسول خدا<sup>(ص)</sup> بود کم‌تر اثری در منابع تاریخی آن زمان دیده می‌شود و این نکته‌ای در خور تأمل است؛ یکی از این معدود موارد، نامه منصور عباسی به نفس زکیه است که نوشت: سقایت برای او [عباس] و حق اوست و میراث پیامبر<sup>(ص)</sup> برای او حق اوست و خلافت برای فرزندان اوست.<sup>۱</sup> این امر رفته‌رفته وارد ادبیات شعرا نیز شده است و منابع عصر عباسی به توصیف آن پرداخته‌اند. مروان ابن‌ابی حفصه (۱۰۵-۱۸۲ق.) از شعرای ثناگوی این سلسله، سروده بود:

ظفرت بنوساقي الحجيج بحقهم و غررتم بتوهم الاحلام.

فرزندان ساقی حج به حقشان رسیدند و شما به پندارهای خواب‌هایتان مغرور شدید.<sup>۲</sup> اما مهدی عباسی برخلاف منصور، نه تنها اشاره‌ای به اموری چون سقایت و دیگر وظایف عباس نکرده بلکه تلاش نخستین اسلاف خود در اثبات انتقال امامت از طریق ابوهاشم و کیسانیه را هم رد کرد، زیرا معتقد بود عباس به پیامبر<sup>(ص)</sup> نزدیک‌تر و اولی‌تر بوده است تا ابن‌حنفیه.<sup>۳</sup>

اما از سوی دیگر، بغداد به محلی برای حضور نویسندگان سیره و تاریخ با رویکرد عباسی تبدیل شد. برای مثال، ابن‌اسحق در کوفه، جزیره و ری و عاقبت بغداد مقیم شد و کتابی در زمینه تاریخ به نام منصور عباسی تألیف کرد که از آغاز خلقت آدم تا روزگار خود را در برمی‌گرفت. تنها طبری بخشی از کتاب او را که درباره آغاز آفرینش و درباره وقایع تاریخی تا سنه ۵۴ ق. / ۶۷۴م. است نقل نموده و از مطالب آن استفاده کرده است.<sup>۴</sup> این روند با مرگ منصور خاموشی نگرفت. به‌مرور نگارش آثاری که به‌طور خاص به اماکن متبرکه پیردازند گسترش یافت. زیرا دیدگاه عمومی حاکمیت از این امر به‌واسطه جایگاه ساقی حجاج و کسی که عمارت حرمین داشت به عنوان سنتی خانوادگی و نه مشروعیت بخشی، استقبال می‌کرد. گذشته از آن عنوان کاتب برای بسیاری مورخین این دوره به معنای شغلی حکومتی است. بنابراین از حیث منابع در پژوهش‌های عباسی شاهد کثرت و تعدد کتب با موضوع اماکن متبرکه حجاز هستیم.

ابوالوید محمد بن عبدالله بن احمد الزرقی (م ۲۵۰ق.) در کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، مطالب مهمی در مورد این شهر تا اوائل سده سوم را بیان می‌کند که بازگو کننده دیدگاه

۱ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، صص ۳۷۳-۳۷۴.

۲ علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی [بی‌تا]، الاعانی، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۹۵.

۳ مجهول المؤلف، اخبار الدولة العباسیة، ص ۱۶۵.

۴ اصغر مهدوی دلمغانی (۱۳۷۷ش)، مقدمه سیرت رسول الله، ج ۱، تهران: انتشارات خوارزمی، صص ۵۳-۵۵.

رایج عصر عباسی در مورد مکه و سوابق تاریخی آن و از جمله مراسم حج و نقش عباس می‌باشد.<sup>۱</sup> از جمله کتاب‌های دیگر درباره تاریخ مکه، باید از کتاب *المنتقى فی اخبار ام‌القری*<sup>۲</sup> که منتخباتی است از تاریخ مکه محمد بن اسحاق الفاکهی، *شفا العرام باخبار البلد الحرام* از شیخ تقی‌الدین ابی‌الطیب محمد فاسی، *الجامع اللطیف فی فضائل مکه و بناء البیت الشریف* از شیخ جمال‌الدین محمد بن ظهیر<sup>۳</sup> نام برد. در سال‌های اخیر نیز اخبار *الدولة العباسية* از مؤلفی ناشناخته، که گزارشی رسمی و عباسی از این خاندان و چگونگی قدرت یافتن آن‌ها ارائه کرده است، مورد توجه می‌باشد. و همه این آثار، نقش عباس در حجاز خصوصاً در پدیده حج و زیارت را بیان داشته‌اند؛ اما نگاه خاصی به آن به عنوان عامل مشروعیت‌بخشی یا موارد مشابه آن ندارند.

## ۲. سفرهای زیارتی و اقدامات عمرانی و اصلاحی عباسیان با مقاصد سیاسی

از همسر *عبدالمطلب* و مادر عباس، نخستین زنی که خانه کعبه را با پارچه‌های دیبا پوشاند،<sup>۴</sup> تا ام‌جعفر زبیده، بانی چشمه زبیدی و بسیاری اقدامات عمرانی دیگر در مکه و مدینه،<sup>۵</sup> بسیاری از بنی‌عباس به نحو چشمگیری در توسعه امور عمرانی حرمین کوشیده‌اند. بدون شک برای بانویی چون ام‌جعفر زبیده که مورد احترام منابع شیعی هم هست،<sup>۶</sup> اعتقادات دینی و قلبی را نباید از نظر دور داشت، ولی باین‌همه و با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، در این زمینه نیز روحیه خاص این خاندان که در این پژوهش پیرامون آن سخن گفته‌ایم و شاید ریشه در گذشته قبل از اسلام آن‌ها داشته باشد، بی‌تأثیر نبوده است. آن‌ها دوست داشتند از موقعیت حجاز برای پیشبرد اهداف خود سود برند، نه اینکه از مهم‌ترین سمت سیاسی مذهبی عباس در دوران حیاتش یعنی امور وابسته به حج و زیارت برای اخذ مشروعیت، سخنی به‌صراحت بر زبان و قلم جاری کنند. با انتقال خلافت به بنی‌عباس در اوایل سده دوم هجری، مجدداً عنصر زیارت و حج و اعمال و

۱ الازرقی (۱۴۱۵ق.)، همان، صص ۱۰-۱۵.

۲ هنری فردیناند وستنفلد (۱۸۰۸-۱۸۹۶م) یکی از چاپ‌های مشهور این کتاب را در سال ۱۸۵۹م انجام داده است.

۳ این کتاب مهم‌ترین اثر محمد بن احمد فلسی است که در چهل باب تألیف شده است و بارها تجدید چاپ گردیده است.

۴ این کتاب از جمله با تحقیق دکتر علی عمر استاد دانشگاه‌های ریاض در قاهره چاپ شده است.

۵ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۶۶.

۶ عمر بن محمد بن فهم [بنی‌تا]، *اتحاف الوری باخبار ام‌القری*، تحقیق شلتوت فهیم محمد، ج ۲، مکه: جامع‌ام‌القری، ص ۲۴۸.

۷ محمد بن جریر بن رستم طبری (۱۳۸۳)، *دلائل الامامه*، قم: دارالذخائر للمطبوعات، ص ۲۶۰.

مناسک آن با شکلی تازه در عرصه حکومت و فرهنگ عباسی به نمایش گذاشته شد. اهمیت این پدیده در سراسر دوره عباسی با فراز و فرودهایی قابل مشاهده است. «سفاح» نخستین خلیفه عباسی، مجالی نیافت که در امر حج و زیارت اقدام چشمگیری به نام خود انجام دهد،<sup>۱</sup> و یا حتی به زیارت اماکن مقدس حجاز نائل شود. در عوض ابوجعفر منصور بارها و در سال ۱۵۸ق. برای آخرین بار به منظور ادای مناسک حج به مکه آمد. نکته جالب توجه آن بود که نامبرده برای نشان دادن ناخشنودی خود از مدنی‌ها به مدینه نیامد و قبر رسول خدا<sup>(ص)</sup> و هم قبور اجداد عباسی خود را زیارت نکرد.<sup>۲</sup> علت امر قیام نفس زکیه و حمایت بزرگان مدینه چون مالک بن انس از او بوده است.<sup>۳</sup>

عباسیان با توجه به اینکه قبر جدشان عباس در قبرستان بقیع قرار داشت به مدینه توجه می‌کردند، بقعه‌ای که بر روی مقبره عباس و چهار امام شیعیان ساخته شده بود، توسط مسترشد عباسی در سال ۵۱۹ق. و مستنصر عباسی در سال ۶۴۰ق. تعمیر و بازسازی شد.<sup>۴</sup>

تحولات اجتماعی مدینه تحت تأثیر عناصری چند قرار داشت، زمانی در سال ۱۹۹ق.، علویان مخالف خلافت به رهبری ابن طباطبا بر مکه و مدینه مسلط شدند.<sup>۵</sup> موضوع تسلط گاه و بی‌گاه رقیبان علوی عباسیان، همواره خلفای بغداد را آزار می‌داد. بنابر روایت تاریخ، طالبی‌ها در این شهر آن قدر متنفذ بودند که گاه شاخه‌های گوناگون آن‌ها باهم درگیر شده و عباسیان سعی می‌کردند حتی المقدور تعادل بین این شاخه‌ها به هم نخورد و گاه گروهی از طالبی‌ها موفق به حذف گروه‌های دیگر شده و در این بین، عباسیان جانب طرف پیروز را داشتند.<sup>۶</sup> چنانکه عاقبت حسنی‌ها توسط حسینی‌ها از مدینه به مکه رانده شدند؛ این امر مورد مخالفت عباسیان قرار نگرفت.<sup>۷</sup>

۱ هر چند ابن رسته از توسعه حرم توسط سفاح یاد می‌کند رک: ابوعلی احمد بن عمر ابن رسته [بی‌تا]، *الاعلاق النفیسه*، ج ۱، بیروت: دارصادر، ص ۶۶

۲ عبدالباسط بدر (۱۹۹۳م)، *التاریخ الشامل للمدینة المنورة*، ج ۲، مدینه: مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ص ۶۳

۳ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، صص ۲۹۸-۲۹۹؛ دینوری (۱۳۶۶)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۴۲۶.

۴ علی بن احمد سمهودی (۱۴۲۲ق)، *وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی*، به کوشش السامرائی، ج ۳، مکه: مؤسسه الفرقان، ص ۱۰۰.

۵ محمد بن محمود النجار (۱۴۱۷ق)، *الدرة الثمینة فی تاریخ المدینة*، به کوشش صلاح الدین، مدینه: مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ص ۱۱۷.

۶ عبدالباسط بدر، *التاریخ الشامل*، ج ۲، ص ۱۳۰.

۷ همان، ص ۱۳۰.

موضوع مدینه با گرایش‌های خاص هر خلیفه به هم تنیده بود. برای مثال ابوالعباس احمدناصر (الناصر لدین‌الله) برای توسعه اماکن مقدس مدینه و از جمله گنبد و بارگاه عباس و چهار امام شیعه در مدینه، تلاش زیادی کرد، او به آراء امامیه متمایل بود.<sup>۱</sup> تشیع او توسط دقیق‌ترین پژوهش‌گران امروزی مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

گاهی شرایط سیاسی، تعیین‌کننده رفتار خلفا در این حوزه بود. مهدی عباسی که در سال ۱۶۰ق. راهی سفر حج شد، به سبب بذل و بخشش فراوانش به حجاج و مردم مکه و مدینه و اقداماتش در خصوص احداث آبگیرهای متعدد در مسیرهای منتهی به مکه، بازسازی راه‌ها و حفر چاه‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته بود.<sup>۳</sup> سیاسی بودن اقدامات مهدی مورد تأکید پژوهشگران است.<sup>۴</sup> در زمان هادی، شهید فخر از حجاج خانه خدا بیعت گرفت تا بر ضد خلیفه شورش کند.<sup>۵</sup>

هارون با تشریفات خاصی راهی سفر حج می‌شد، به طوری که هر بار تعداد زیادی از فقها و علمای دینی را در این سفر همراه داشت. او نیز چون مهدی، بذل و بخشش فوق‌تصوری نثار حجاج و اهالی حرمین می‌کرد.<sup>۶</sup> نگاه سیاسی هارون به مسئله حج و توجه ویژه او به محل سکونت آباء و اجدادی و حسن استفاده‌اش از این عامل قدرت عباسیان را می‌توان در حوادث سال ۱۸۶ق. مشاهده کرد. در این سال و در جریان سفر حج، امین و مأمون را به ولایتعهدی منصوب کرد و قلمرو هر یک را مشخص نمود. و عهدنامه‌ی مربوط را به سنتی که قبل از اسلام رواج داشت در کعبه آویختند.<sup>۷</sup>

۱ ابن طباطبا، تاریخ فخری، ص ۴۳۲.

۲ رسول جعفریان (۱۳۸۷ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هج، ج ۱، تهران: علم، ص ۱۳.

۳ ابن مهلب بن شادی [بی‌تا]، مجمل التواریخ و القصص، ج ۱، به اهتمام محمد رمضانی، مصحح محمدتقی بهار، تهران: کلاله خاور، ص ۲۶۳؛ احمد بن علی مقریزی (۱۴۲۰ق)، الذهب المسبوک فی ذکر حج الخلفاء والملوک، ج ۱، قاهره: پرت سعید، ص ۷۳؛ ابراهیم ابن اسحاق حربی (۱۴۰۱ق)، کتاب المناسک و اماکن طرة الحج و معالم الجزیره، ج ۱، ریاض: منشورات وزارة الحج و الاوقاف، صص ۵۴۳، ۶۴۷.

۴ رسول جعفریان و صادق برزگر (۱۳۷۶ش)، میراث ایران اسلامی، قم: کتابخانه‌ی آیت‌الله العظمی مرعشی، دفتر ۵.

۵ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۵. در این زمان نارضایتی عمیقی از حکام عباسی در حجاز خاصه مدینه وجود داشت حتی گفته می‌شود شخصیتی چون مالک بن انس، مشروعیت خلافت عباسی را انکار می‌کند (ابن قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ص ۴۱۰).

۶ طبری، همان، ج ۸، ص ۳۹۶؛ مقریزی، همان، ص ۷۹.

۷ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۲۳۰.

هارون الرشید در موسم حج به زیارت محل نزول جبرئیل و مشاهد شهداء پرداخته و درحالی که واقدی مورخ معروف در معیت او بود ضمن به جا آوردن نماز زیارت، در اماکن یادشده به گریه و استغاثه پرداخته است.<sup>۱</sup> این در حالی است که او پس از رونق زیارت بارگاه امامان شیعه خصوصاً حضرت علی<sup>(ع)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> در روزگار سفاح و منصور،<sup>۲</sup> به تخریب این اماکن پرداخت.<sup>۳</sup> امری که متوکل نیز تحت تأثیر عوامل سیاسی و القائات مذهبی موافق میلش بدان مبادرت ورزید اما از آنجاکه جانشین او منتصر با رویه پدر مخالف بود،<sup>۴</sup> این قضایا را اصلاح کرد.<sup>۵</sup>

چنانکه گفتیم، تعامل خلفای عباسی با رقبای سیاسی و کیفیت آن، نماد ظاهری خود را در رفتار خلفا در حجاز به نمایش می گذاشت. از نیمه دوم سده پنجم برای مدتی خلفای عباسی، امیران حج را از میان علویان انتخاب می کردند. چنان که ابوالغنائم علوی نقیب طالبیان در سال ۴۵۷ تا ۴۶۷ ق. این سمت را عهده دار بود.<sup>۶</sup> پیش از آن نیز ابواحمد موسوی پدر سیدرضی و سید مرتضی در سالهای پس از ۳۵۵ تا ۳۶۸ ق. بارها با عنوان امیرالحاج، انتخاب شده بودند.<sup>۷</sup> اصل زیارت هرگز اهمیت خود را نزد اغلب خلفای عباسی، مگر معدودی از دست نداد.<sup>۸</sup>

### ۳. عباسیان و مدعیان خلافت در امر حج و زیارت

زیارت اماکن اسلامی در حجاز و تسلط بر این نقطه، بر گهای برندهای برای خلفا و خاندان

۱ ابن سعد (۱۴۱۰ ق.)، طبقات الکبری، تحقیق عبدالقادر عطا، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۴۹۳-۴۹۴.

۲ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، صص ۲۳۳-۲۵۳.

۳ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۲۱؛ طوسی، الامالی، ص ۳۲۵.

۴ مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱.

۵ در دوره خلافت چند ماهه منتصر وضعیت شیعیان بهتر شد. او دستور منع تعقیب طالبیان و کسانیکه به زیارت مرقد امام حسین<sup>(ع)</sup> و دیگر قبور آل ابي طالب مشرف می شدند را داد. منتصر همچنین دستور داد اوقاف و املاک غصب شده علویان به آنان بازگردانده شود. در حجاز، فدک را نیز به اولاد امام حسن<sup>(ع)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> واگذار کرد (مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱؛ عمادالدین اسماعیل بن کثیر (۱۴۰۵ ق.)، البدایة و النهایة، به کوشش احمد ابو ملحم و همکاران، ج ۱۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۵) مشهور است که هارون سالی به جهاد و سالی به حج می رفت و در مجموع ۹ بار حج گذارد. مقریزی، همان، ج ۱، ص ۷۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴؛ ابن کثیر (۱۴۰۵ ق.)، همان، ج ۱۱، ص ۱۵.

۶ ابن کثیر، همان، ج ۱۲، صص ۹۵-۱۰۶.

۷ عمر بن محمد بن فهم [بی تا]، تحاف الوری بأخبار أم القرى، محقق شلتوت فهیم محمد، ج ۲، مکه: جامعه ام القرى، صص ۴۰۴-۴۱۱.

۸ فرمانی از راضی خلیفه ضعیف عباسی در دست است که به شدت از اصل زیارت دفاع می کند. (ابن اثیر، الکامل، ج ۲۰، صص ۳۲-۳۳).



عباسی در رقابت با دیگر مدعیان محسوب می‌شدند. عباسیان، هم می‌توانستند اموری چون انتساب عباس و اولاد او به خاندان رسالت را به رخ بکشند، و هم قادر بودند با هدایائی که اغراق‌آمیز و بیش از اندازه نصیب حجاج می‌شد، در جلب قلوب آن‌ها و دوری از رقیبانشان مؤثر باشند. این پدیده موجب حساسیت و واکنش‌هایی از سوی خلفای نوظهور هم بود. برای مثال، ابن‌خلدون می‌نویسد: امویان اندلس، خدمت‌گزاران درگاه خود را از ادای فریضه حج هم منع می‌کردند؛ زیرا گمان می‌بردند که ممکن است بنی‌عباس آن‌ها را از چنگ ایشان بریابند. از این‌رو هیچ‌یک از کارکنان درگاه امویان اندلس در تمام دوره فرمانروایی خود حج نگذارند؛ و فقط هنگامی به خدمت‌گزاران دولت امویان اندلس اجازه سفر حج داده شد که امویان منقرض گردیدند و فرمانروائی به دست ملوک الطوائف افتاد.<sup>۱</sup> در منابع این دوره نشانه‌ای از تلاش بنی‌عباس بر بزرگ‌نمایی وظایف عباس چون سقایت، در رقابت با رقیب اموی دیده نمی‌شود.

این واقعیت درباره خلفای فاطمی با ابعاد گسترده‌تر مصداق پیدا نمود؛ زیرا ظهور آن‌ها مقارن با آغاز عصر ضعف و انحطاط خلافت عباسی بود، قلقتندی می‌نویسد: در دستگاه فاطمیان، امارت حج از وظایف ارباب سیوف بود.<sup>۲</sup> آن‌ها با ارسال آذوقه برای حرمین، فرستادن مقرری و هدایا برای خدام و مجاورین و پرده‌داران و کلیدداران کعبه و نیز امیر مکه، ارسال جامه کعبه به صورت سالیانه و بالاخره ایجاد امنیت بیش‌تر برای کاروان‌های حجاج در مسیر مصر و شام، موفقیت‌های بسیاری کسب کردند و تا پایان خلافت فاطمی غالباً خطبه به نام آنان خوانده می‌شد. مصادیق آنچه گفته شد در اغلب منابع از جمله سفرنامه‌های دوره یادشده قابل مشاهده است.<sup>۳</sup>

به‌طور کلی برای فاطمیان، حج و زیارت اماکن مقدس حجاز از مسائل بسیار بااهمیت در سیاست خارجی محسوب می‌شد. در این زمان، قرامطه بحرین برای سوء استفاده از تنش موجود در روابط بنی‌عباس و فاطمیان، اقدام به ناامن کردن مسیر حجاز برای حجاج عراقی کردند و پس از آن با فریب دادن حجاج که از طریق عدم تهاجم به کاروان‌ها برای مدتی عملی شد، مستقیماً به مکه

۱ عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۱۳۶۳ش)، *العبر و دیوان المبتداء و الخبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۶۴.

۲ احمد بن علی قلقتندی (۱۳۳۱-۱۳۳۸ق)، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، ج ۴، قاهره: مؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر، ص ۲۶۸.

۳ ناصر خسرو (۱۳۷۱ش)، *سفرنامه*، تصحیح دکتر جعفر شعاع، ج ۱، تهران: نشر قطره، ص ۱۳۲؛ عبدالله بن علی کاشانی (۱۳۶۶)، *زینة التواریخ*، بخش فاطمیان و نزاریان، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۱.

حمله کردند و حاجیان غافلگیر شده را به نحو وحشتناکی قتل‌عام نمودند، در این زمان حجرالأسود هم شکسته و به هجر منتقل شد. ابو عبیدالله مهدی خلیفه فاطمی در نامه‌ای به ابوطاهر سرکرده قرامطه، آنان را به شدت سرزنش کرد<sup>۱</sup> که نشان از اهمیت موضوع حج برای فاطمیان دارد که حتی هم‌کیشان قرمطی را تأیید نمی‌کنند. به همین دلیل رقابت تنگاتنگی با آل‌بویه و بعدها سلاجقه به عنوان نمایندگان خلافت عباسی در اداره حرمین و امر خطبه‌خوانی موسم حج داشتند که به تناوب میان آنان دست‌به‌دست می‌شد.<sup>۲</sup> آن‌ها زمانی با بنی‌عباس وارد رقابتی بر سر انتساب به اهل‌بیت - علیهم‌السلام - شدند که توسط خلفای بغداد به پا شد. و البته عباسیان به هر وسیله‌ای برای انکار انتساب این سلسله به اهل‌بیت متوسل شدند؛<sup>۳</sup> اما برای توجیه خود به نقش جدشان در حج و زیارت پرداختند.

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین منصب عباس‌بن‌عبدالمطلب در حیات رسول خدا<sup>(ص)</sup> سقایت و عمارت مسجدالحرام بوده است. هرچند وی قبل از اسلام هم برخی از این مناصب را بر عهده داشت؛ به نظر می‌رسد تأیید سمت‌های مزبور برای او از جانب پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> به نوعی باعث تحکیم جایگاه دینی و معنوی عمومی رسول گرامی<sup>(ص)</sup> و به تبع وی خاندانش در اذهان مسلمین می‌شد. از این رو در نخستین سال‌های خلافت عباسی، تلاش‌هایی برای بهره‌برداری از جایگاه عباس در حج توسط خلیفه منصور و اطرافیان او مشاهده می‌شود. به زودی به دلایلی این روند به زودی متوقف و موضوع انتساب خانوادگی به پیامبر<sup>(ص)</sup> به مشاجره اصلی علویان و بنی‌عباس تبدیل گردید. زیرا مشخص شد که پیامبر<sup>(ص)</sup> برخی دیگر از مناصب کعبه چون سدانیت را برای طوایفی چون بنی‌عبدالدار - باوجود آنکه برخی از آن‌ها تا به آخر به دشمنی با اسلام ادامه دادند - تأیید نمودند بنابراین این وجه شخصیت عباس نمی‌توانست نشانه‌ی مشروعیت وی باشد.

توسعه و ظهور مطالعات و ظهور تفاسیر مهم قرآنی و تفسیر آیاتی چون آیه ۱۹ از سوره مبارکه توبه که به صراحت، برتری مجاهدان بر خادمان حج را مطرح می‌کرد نیز باعث شد تا

۱ ثابت‌بن‌سنان (۱۹۷۱م)، تاریخ اخبار القرامطه، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۵۴.

۲ ابن‌اثیر، الکامل، ج ۸، صص ۵۰۶، ۶۶۷، ۶۹۴، ج ۱۰، ص ۶۱.

۳ عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی [بی‌تا]، حسن المحاضرة فی اخبار مصر والقاهرة، محقق منصور خلیل عمران، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۵؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۷، ص ۲۶۳.

رویکرد نخستین خلفای عباسی، در دوران مهدی و بعد از آن تغییر یابد و تلاش برای اثبات امامت عباس و انتساب وی به رسول گرامی<sup>(ص)</sup> از نگاه وراثت جایگزین آن شود. با این وجود مشکل بنی‌عباس در بهره‌برداری از جایگاه سقایت حجاج در مقایسه با دیگر مدعیان مانند زبیریان و امویان تا این حد چشمگیر نبود. بنابراین پس از مصلحت‌بینی عبدالله بن عباس برای خروج از حجاز در سال‌های منتهی به سقوط امویان و آغاز نهضت عباسی، این سلسله از خلفا با تشکیل خلافت، تلاش‌های مستمری برای تسلط بر حجاز و تحکیم جایگاه خود به عنوان خادمان حرمین و زوار زیارتگاه‌های منطقه در رقابت با امویان اندلس و دیگر مدعیان به عمل آوردند که از جنبه نظری، تأکید اندکی بر جایگاه زیارتی در حج و تأکید بیش‌تری بر وراثت در امامت و نفی انتساب فاطمیان دارد. تلاش رقبا برای سلطه بر حجاز و ادعای وراثت و نفی و انکار مشروعیت بنی‌عباس، عمده‌تلاش‌های فرهنگی، عمرانی و سیاسی عباسیان در حجاز در جهت بی‌اثر کردن تبلیغات رقبا بوده است.

## منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۴۰۸ق.)، *الکامل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [بی‌تا]، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اسحاق حربی، ابراهیم (۱۴۰۱ق.)، *کتاب المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره*، چاپ حمد جاسر، ج ۱، ریاض: منشورات وزارة الحج و الاوقاف.
- ابن اسحق، سیره (۱۴۱۰ق.)، تحقیق سهیل زکار، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۹۶۸م.)، *الفتوح*، حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۹۹۲م.)، *المنتظم*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن جعفر (۱۴۱۸ق.)، *الموضوعات من الاحادیث المرفوعات*، تحقیق نورالدین شکری بن بوبا جیلاود، ریاض: مکتبه اضواء السلف.
- ابن حبیب، المنطق (۱۴۰۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، *العبر و دیوان المبتداء والخبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن رسته [بی‌تا]، *الاعلاق النفسیه*، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد (۱۴۱۰ق.)، *الطبقات الکبری*، تحقیق عبدالقادر عطا، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن طباطبای، محمد بن علی (۱۳۶۷)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۹۹۲ م)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، محقق علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجيل.
- ابن عنبه، احمد بن علی بن حسین حسینی (۱۳۸۰ ق)، عمدة الطالب، نجف: الحیدریة.
- ابن فهم، عمر بن محمد [بی تا]، اتحاف الوری بأخبار أم القرى، محقق شلتوت فهم محمد، مکه: جامعه ام القرى.
- ابن قتیبه دینوری (۱۹۶۹ م)، الامامة و السياسة (تاریخ خلفاء)، قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۷۳)، عیون الاخبار، ج ۱، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۵ ق)، البدایة و النهایة، به کوشش احمد ابوملحم و همکاران، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ---- (۱۳۸۷)، تفسیر (تفسیر القرآن العظیم)، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- ابن مهلب بن شادی [بی تا]، مجمل التواریخ و التخصص، به اهتمام محمد رضانی، مصحح محمد تقی بهار، تهران: کلاله خاور.
- ابن نجار، محمد بن محمود النجار (۱۴۱۷ ق)، الدرّة الثمینیة فی تاریخ المدینة، به کوشش صلاح الدین، مدینه: مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۰ ق)، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا و همکاران، قاهره: ناشر مصطفی البابي الحلبي.
- ابو الفرج، علی بن حسین [بی تا]، الاغانی، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمد مناظر، احسن (۱۳۶۹)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ازرقی، ابوالولید محمد (۱۴۱۵ ق)، اخبار مکه، به کوشش رشدی الصالح، مکه: مکتبة الثقافة.
- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۲۶ ق)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، به کوشش هلموت ریتز، بیروت: النشرات الاسلامیة.
- اصفهانی، ابو الفرج (۱۳۸۵ ق)، مقاتل الطالبیین، نجف: منشورات المکتبة الحیدریة.
- بدر، عبدالباسط (۱۹۹۳ م)، التاریخ الشامل للمدینة المنورة، مدینه: مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، کتاب جمل من انساب الاشراف، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- ---- (۱۹۵۹ م)، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمیدالله، ج ۱، قاهره: دارالمعارف.
- ثابت بن سنان (۱۹۷۱ م)، تاریخ اخبار القرامطه، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- جعفریان، رسول، برزگر صادق (۱۳۷۶)، میراث ایران اسلامی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.
- ---- (۱۳۸۷)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، تهران: علم.

- حسکائی حاکم، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق.)، شواهد التنزیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۶)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۱ق.)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- سمهودی، علی بن احمد (۱۴۲۲ق.)، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، به کوشش السامرائی، مکه: مؤسسه الفرقان.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر [بی‌تا]، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهرة، محقق منصور خلیل عمران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، ج ۹، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۳۸۳)، دلائل الامامه، قم: دارالذخائر للمطبوعات.
- (۱۹۳۹)، تاریخ الامم و الملوک، قاهره: مطبعة الاستقامة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق.)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیته.
- (بی‌تا)، الامالی، ج ۱، قم: مؤسسة البعثة، دار الثقافة.
- عبدالعزیز الدوری (۲۰۰۶م.)، العصر العباسی الاول دراسة فی التاريخ السياسی و الاداری و المالی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- جواد، علی (۱۹۷۶)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین البغداد المكتبة النهضة.
- قلقشندي، احمد بن علی (۱۳۳۱-۱۳۳۸ق.)، صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، ج ۴، قاهره: مؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر.
- کاشانی، عبدالله بن علی (۱۳۶۶)، زبدة التواریخ: بخش فاطمیان و نزاریان، چاپ محمد تقی دانش‌پژوه، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البحر [بی‌تا]، الاحکام السلطانیة، تصحیح محمود علی صبیح، قاهره: مطبعة المحمودیة النجاریة.
- مجهول المؤلف (۱۹۷۲م.)، العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق، چاپ عمر سعیدی، دمشق: المعهد الفرنسي للدراسات العربية.
- مجهول المؤلف (۱۳۹۱ق.)، اخبار الدولة العباسیة و فیه اخبار العباس و ولده، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطبعة.
- محمد سهیل طقوش (۱۹۹۸م.)، تاریخ الدولة العباسیة، بیروت: دار النفائس.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۵ق.)، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت: دارالاندلس.
- (بی‌تا)، التنییه و الاشراف، بیروت: دار صادر.

- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق.)، الارشاد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقریزی، احمدبن علی (۱۴۲۰ق.)، الذهب المسبوك في ذكر من حج الخلفاء والملوك، چاپ جمال الدین شیاع، پرت سعید، ج ۱، پرت سعید: لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- مهدوی، اصغر (۱۳۷۷)، مقدمه سیرت رسول الله، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ناصر خسرو (۱۳۷۱)، سفرنامه، تصحیح دکتر جعفر شعار، تهران: نشر قطره.
- یعقوبی، ابن واضح (احمدبن ابی یعقوب) [بی تا]، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.